



دیدگاه های قرآنی و تفسیری امام حسن (علیه السلام)

قرآن نیاز به فهم و نیاز به فهماندن دارد؛ حتی خود اصحاب پیغمبر (ص) هم در بسیاری از اوقات برای فهم آیات به پیامبر (ص) مراجعه می‌کردند.

قرآن نیاز به فهم و نیاز به فهماندن دارد؛ حتی خود اصحاب پیغمبر (ص) هم در بسیاری از اوقات برای فهم آیات به پیامبر (ص) مراجعه می‌کردند. در اینجا در نظر داریم تا بیشتر در خصوص دیدگاه های قرآنی و تفسیری امام حسن مجتبی سخن بگوییم.

دیدگاه های قرآنی و تفسیری امام حسن (ع)

قال الله تبارک و تعالی: «قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِقَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»

تفسیر در کنار قرائت

بحثی که راجع به امام حسن (ع) در نظر گرفته ام و کمتر هم درباره آن بحث شده، بحث دیدگاه های قرآنی و تفسیری امام حسن مجتبی (ع) است. عزیزان! می دانید قرآن کریم نیاز به تفسیر و تبیین دارد. خدا به پیغمبر (ص) دو شأن را واگذار کرده، یکی قرائت قرآن و دیگری تفسیر آن. یک جا می فرماید: «لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ» پیغمبر! این قرآن را برای مردم بخوان. یک جا می فرماید: «لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ» پیغمبر! این قرآن را برای مردم بیان کن، تفسیر کن، تبیین کن.

امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «هَذَا الْقُرْآنُ إِتْمَا هُوَ حَظٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ، لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ»؛ این قرآن یک سری خطوطی است که بین دو جلد قرار گرفته، یک سری نوشته هایی است که در اختیار بشر است. «و لَا بُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ» قرآن ترجمان می خواهد. قرآن بیان کننده می خواهد. کسی می خواهد که این کتاب صامت را به نطق و سخن دریاورد و در واقع برای زندگی مردم کارآمد کند. لذا در نهج البلاغه می فرماید: «فِيهِمْ كَرَامَةُ الْقُرْآنِ» ما اهل بیت هستیم، ما هستیم که این ها را برای مردم تبیین می کنیم، توضیح می دهیم.

قرآن نیاز به فهم و نیاز به فهماندن دارد؛ حتی خود اصحاب پیغمبر (ص) هم در بسیاری از اوقات برای فهم آیات به پیامبر (ص) مراجعه می کردند و می پرسیدند: یا رسول الله! این آیه معنایش چیست؟ وقتی می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» ظلم در این آیه یعنی چه؟ خوب ظلم اقسامی دارد، انواعی دارد، چه ظلمی؟ یا گاهی خدمت ائمه (ع) بزرگوار می رسیدند و از معانی آیات می پرسیدند. لذا بحث تفسیر و فهم قرآن همزمان با نزول قرآن آغاز شد. پیامبر اکرم (ص) علاوه بر شأن قرائت، وظیفه تبیین و فهماندن کتاب را هم بر عهده داشت و این خیلی نکته دقیقی است که در حوزه های ما باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

دیدگاه های قرآنی و تفسیری امام حسن (علیه السلام)

دیدگاه علما درباره قرآن

ملاصدرا

مرحوم ملاصدرا در مقدمه تفسیر سوره واقعه می گوید: بسی در کتاب علما غور کردم، در کتاب متکلمین و فلاسفه مطالعه کردم، اما گویا مثل کسی که در سایه دنبال نور می گردد حرکت می کردم، تا آن که خدا به من لطف کرد و به قرآن روی آوردم و دیدم آن نوری که من دنبالش هستم این است و من مسیر را اشتباه رفته ام. می گوید گویا شنیدم فرشته ها به من می گویند «ادْخُلُوها يَسْتَلَامُ آمِينَ» حالا بیا، حالا به سلامت بیا از این نور و از مآذبه آن استفاده کن.

فیض کاشانی

فیض کاشانی در رساله «انصاف» ش عین همین تعبیر را دارد، می گوید بسیاری از ادله عقلی متکلمین و حکما و فلاسفه [را] دنبال کردم و دیدم؛ اما هیچ عطشم را سیراب نکرد، هیچ دردم را دوا نکرد تا آن که روی به قرآن و حدیث آوردم و دیدم دواي درد در اینجا است. خود قرآن کریم می فرماید: «شِقَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» و لذا اینجا بود که برای عطش آب یافتم و برای دردم شفا پیدا کردم.

حضرت امام (ره)

حضرت امام (ره) هم در صحیفه نور، جلد بیستم بیانی شبیه همین بیان فیض و ملاصدرا راجع به قرآن دارد. حالا تعبیر ایشان

است، می فرماید: من تأسف می خورم و به جوان ها توصیه می کنم که با روی آوردن به قرآن و با اهمیت دادن به تفسیر و فهم قرآن نگذارند این کتاب در بینشان مهجور بماند و باید دست کم چهارپنج درس تفسیر مردمی در حوزه ما باشد، در حرم ما باشد، برای مردم عادی. حالا تفسیرهای تخصصی برای طلاب که جای خود دارد. منابع باید به مکان تبیین آیات قرآن تبدیل شود، به تبیین معارف اهل بیت (ع) از طریق قرآن تبدیل گردد.

شهید مدرس (ره)

من یک جمله ای در حالات مرحوم مدرس (ره) دیدم. می گوید یک شب یک جلد تفسیر طنطاوی را برایم آوردند، همین الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم؛ این تفسیر ۲۶ جلد است و به تعبیر بعضی ها همه چیز در آن هست غیر از تفسیر! می گوید این تفسیر را یک کسی به من داد و یک شب تا صبح نشستم یک جلد را خواندم. صبح که در میان دوستان و در میان طلاب آمدم، پرسیدند نظر شما راجع به این تفسیری که جدید بیرون آمده و مطرح شده چه بود؟ گفتم: هدایت قرآنی در آن نیافتم، روح قرآن را این تفسیر مسخ کرده است، این تفسیر بیش از آنکه تفسیر باشد قرآن را در مقابل علم روز خاضع کرده و زمین زده است، بیش از آن که هدفش تبیین قرآن باشد، هدفش استخدام قرآن در مقابل علم روز است. لذا تفسیر طنطاوی هم در بازار نگرفت و مطرح نشد و جا نیفتاد چون از این روح و از این جایگاه خارج بود. اما شما تفسیر مرحوم علامه طباطبایی (ره) را ببینید هم «تَبَيَّنَاتَا لِكُلِّ شَيْءٍ» هم «لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» هست.

بحث من امروز راجع به دیدگاه های تفسیری امام حسن مجتبی (ع) است، ما واقعاً در تمام روایات بگردیم -گرچه بعضی مصادر کم است- اما ببینیم وجود مقدس امام حسین (ع)، وجود مقدس امام صادق (ع) راجع به قرآن چقدر تفسیر دارند؟ چقدر تأویل دارند؟ چقدر اهمیتش را بیان کرده اند؟ و از این کانال بیشتر قرآن را بشناسیم.

راجع به امام حسین (ع) دیدم مجموعه مقالاتی در یک کتاب با نام امام حسین (ع) و قرآن چاپ شده است که دیدگاه های تفسیری امام حسین (ع) را جمع آوری کرده است، ولی درباره امام حسن (ع) ندیدم کسی مستقلاً کار کرده باشد و روایات تفسیری امام حسن (ع)، مطالب ایشان راجع به قرآن، استشهادات ایشان راجع به قرآن را جمع کرده باشد. درباره نهج البلاغه این کار شده، نزدیک ۱۴۰ آیه در نهج البلاغه به آن استشهاد شده، چندین مورد آیات در نهج البلاغه مثل خطبه ۲۲۱ و ۲۲۲ تفسیر شده، راجع به امام صادق (ع) نیز کار شده است.

دیدگاه های قرآنی و تفسیری امام حسن (علیه السلام)

دیدگاه امام حسن مجتبی درباره قرآن

من مطالب امام حسن مجتبی (ع) راجع به قرآن را به پنج دسته تقسیم می کنم، برای هر دسته اش هم نمونه ای می گویم و بحث را جمع می کنم:

۱- بیان اهمیت قرآن؛

۲- استشهادات قرآنی، یعنی کجاها به آیات استشهاد کرده اند؛

۳- پاسخ گویی به شبهات از طریق قرآن، مواردی هست شبهه ای پیش آمده که امام با قرآن جواب داده اند؛

۴- تفسیر آیات، سؤال کردند امام تفسیر نموده اند؛ ۵- بیان مصداق آیات؛

البته حالا این هم یک دسته بندی ذوقی است. این یک کار تحقیقی است، یک رساله است، فقط اینجا در قالب منبر نمی شود به آن خیلی پرداخت واقعاً کار پایان نامه ای است، ولی این پنج دسته را اجازه بدهید برای شما بگویم یک مقداری امام خود را از این منظر بشناسیم.

۱. بیان اهمیت قرآن

امام مجتبی (ع) فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَائِداً وَ سَائِقاً» قرآن هم قائد است؛ یعنی رهبر و جلودار است و هم سائق؛ یعنی عقب دار. وقتی شتر یا اسب حرکت می کند، یک کسی افسار را می گیرد و از جلو حرکت می کند، یکی هم پشت سر مواظب است. آن کسی که پشت سر بود را سائق می گفتند و آن کسی که جلو حرکت می کرد را قائد می گفتند. قرآن، هم قائد است و هم سائق، این بیان امام مجتبی (ع) است، قائد به چیست و سائق به چیست؟ فرمود: «بِقَوْدُ قَوْمًا إِلَى الْجَنَّةِ» یک قومی را به سمت بهشت می برد، «وَيَسُوقُ قَوْمًا إِلَى النَّارِ» و یک عده ای را هم به طرف جهنم هل می دهد. همان طور که هم شاکلی است و هم شافع، همان طور که هم شفاست «وَشِيقَاءُ لِمَا فِي الصُّدُورِ» و هم خسارت «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»

یک قرآن بیشتر نیست، یک کتاب است، این کتاب برای بعضی ها «خساراً» است برای بعضی ها «شفاء»، برای بعضی ها «شافع» است، برای بعضی ها «شاکى».

امام حسن (ع) فرمود: «يَقُودُ قَوْمًا إِلَى الْجَنَّةِ أَحَلُّوا حَلَالَهُ وَ حَرَّمُوا حَرَامَهُ وَ آمَنُوا بِمُتَشَابِهِهِ» هرکس حلال این قرآن مانند نماز، غذاهای حلال، گفت وگویی حلال و... را حلال دانست؛ و حرامش نظیر دروغ، غیبت، تهمت و... را حرام دانست؛ یعنی امر و نهی قرآن را رعایت کرد و به متشابهات قرآن هم ایمان آورد - بالاخره یک آیتی در قرآن است که آدم حقیقتش را نمی فهمد، «وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» حقیقت روح چیست؟ نمی دانم، نکاتی در قرآن هست که این ها تشابه دارد - فرمود: کسانی که حلال قرآن را حلال بدانند، حرام قرآن را حرام بدانند، به متشابهات قرآن هم ایمان بیاورند، این ها را به بهشت می برد؛ اما «وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ النَّارِ» عده ای را هم به طرف جهنم می برد، آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: «صَيَّعُوا خُدُودَهُ وَ أَحْكَمَاءَهُ وَ اسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُ» کسانی که عکس عمل کنند یعنی حلال قرآن را حرام بشمارند و آیات قرآن را عمل نکنند، سرانجام وارد دوزخ می شوند.

این بیان نورانی امام حسن (ع) راجع به قرآن کریم است و خود ایشان خیلی اهتمام به قرائت قرآن داشت، هر شب سوره کهف را قرائت می کرد. بعد از هر نماز آیه الکرسی می خواند و می فرمود: هرکسی بعد از نماز آیه الکرسی بخواند تا نماز بعدی در حمایت خداست، البته همیشه در حمایت خداست، ولی منظور این است که از خطرات محفوظ می ماند. می فرمود: «أَعْظَمُ الْآيَةِ فِي الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ»

امام صادق (ع) فرمود: هرکس ختم قرآن کند، یک دعای مستجاب دارد «مَنْ خَتَمَهُ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ مُؤَخَّرَةٌ أَوْ مُعَجَّلَةٌ» حالا یا زود دعوتش اجابت می شود یا دیر، اما مسلم است که هرکس قرآن بخواند یک دعای مستجاب دارد.

۲. استشهادات قرآنی

دومین محوری که در زندگی امام حسن (ع) مشاهده می شود، استشهادات قرآنی است. البته مکرر من در فرمایش ائمه (ع) دیده ام مخصوصاً امیرالمؤمنین (ع) به گونه ای که بیش از ۱۴۰ آیه در نهج البلاغه استشهاد دارد.

استشهادات قرآنی امام حسین (ع) نیز فراوان است. از مدینه که بیرون آمد، آیه «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» را مکرر خواند، در مکه آیه «وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ» و بالای سر شهدا آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا لِلَّهِ» را خواند. جوانش میدان رفت آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ» را پشت سرش خواند. زید بن ارقم می گوید: در غرقه خود بودم، دیدم سر مقدسش دارد قرآن تلاوت می کند؛ یعنی شروع و ختم نهضت حسینی با قرآن بود، آن وقت چقدر بد است محرم ها در مسجدهای ما قرآن کم رنگ می شود، قرائت نمی شود، همه تبدیل به مداحی و سینه زنی می شود، آنها هم خیلی عالی است باید هم باشد، تعظیم شعائر است؛ ولی یک دقیقه قبل از منبرها قرآن خوانده شود، یک مقداری روی منبرها تفاسیر گفته شود. خود آقایان مداح و ذاکر ما چند آیه قرآن بخوانند بعد بحثشان را شروع کنند. سیدالشهداء با قرآن شروع کرد، شب عاشورا برای قرآن وقت گرفت، سرش بالای نیزه قرآن خواند. حالا بیایید در زندگی امام حسن (ع)، استشهادات قرآنی را بررسی کنیم.

همنشینی بر سفره فقرا

امام حسن (ع) رد می شد، دید عده ای از فقرا دارند غذا می خورند. پیاده شد، کنار سفره این فقرا نشست و با ایشان غذا میل کرد. دوستان تعجب کردند که امام حسن مجتبی (ع) چطور رفت در کنار کوچه کنار فقرا نشست؟! فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» با یک آیه قرآن استشهاد کرد و جواب داد؛ خدا آدم خیال پرداز و فخر فروش را دوست ندارد. خداوند انسان های فخور و مختال و خیال پرداز را دوست ندارد.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: چند کار است من تا آخر عمرم ترک نمی کنم: ۱- سلام کردن به بچه ها، ۲- دوشیدن شیر از گوسفند، ۳- سوارشدن بر حمار، ۴- نشستن روی زمین، ۵- غذا خوردن با برده ها. توقع هم دارم بعد از من سنت شود. شما هم این کارها را انجام دهید و بر خودتان عیب ندانید. حالا آن زمان مصداق تواضع، دوشیدن شیر بوده اما حالا یک کسی مثلاً کار بیرونی دارد، خودش انجام دهد، همه اش توقع نداشته باشد دیگران نسبت به او خدمت باشند!

بهترین لباس ها برای نماز

امام حسن (ع) بهترین لباس هایش را برای اقامه نماز می پوشید و به مسجد می آمد. شخصی عرضه داشت: چرا بهترین لباس ها را برای اقامه نماز می پوشید؟ امام با قرآن جواب داد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فَأَجِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجُودَ ثِيَابِي».

۳. پاسخ گویی به شبهات با قرآن

سومین محوری که در زندگی امام حسن (ع) مشاهده می شود پاسخ گویی به شبهات با قرآن است. مکرر من در روایات اهل بیت (ع) این نکته را دیده ام. از امام رضا (ع) که فراوان داریم، یک وقتی هم اینجا بود یا جای دیگر بحث کردم که شبهاتی مطرح شده است و ائمه (ع) از طریق قرآن آنها را پاسخ دادند، شبهه را رد کردند و شبهه را نفی کردند؛ چون قرآن «تَبَيَّنَاتَا لِكُلِّ شَيْءٍ» است.

هدایت با قرآن

امام مجتبی (ع) عبور می کردند، دیدند جوانی مشغول مزاح است، مشغول کارهای لغو و بیهوده است. قرآن هم می فرماید آقا! از کنار لغو و لهو رد بشوید. شوخی عیب ندارد، مزاح عیب ندارد، اسلام با این مسائل خشک برخورد نکرده است، اما لغو نه، لهو نه، بیهودگی نه! امام (ع) ایستادند و فرمودند: جوان! قرآن خوانده ای که می فرماید همه مردم وارد جهنم می شوند؟ «وَأَن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا» جوان یک قدری درهم رفت و متأثر شد. فرمود: آیا اطمینان داری، یقین داری که جزء خروجی های از جهنم هستی که این طور راحت داری لهو و لغو و خنده های آن چنانی و مستانه و بیهوده انجام می دهی؟ جوان یک قدری به خود رفت یک قدری تأملی کرد و عذرخواهی کرد و این حالتش را کنار گذاشت. امام با یک آیه قرآن، آن فکری را که در ذهن این جوان بود که حالا چون جوان است می تواند هر کاری انجام بدهد اصلاح و هدایت کرد.

4. تفسیر آیات قرآن با قرآن

چهارمین محوری که در زندگی امام حسن (ع) مشاهده می شود تفسیر قرآن به قرآن است. مع الاسف روایات تفسیری مان از ائمه (ع) مخصوصاً امام حسن و امام حسین (ع) کم است. من از اباعبدالله (ع)، نزدیک بیست مورد بیشتر پیدا نکردم. از امام حسن (ع) هم شاید به همین میزان بیشتر نباشد روایات تفسیری ای که از امام حسن و امام حسین (ع) رسیده خیلی کم است. علتش هم این است که نگذاشتند این ها به ما برسد. ولی همین میزانی که هست غنیمت است، همین میزانی که هست خوب است که انسان با آن آشنا باشد و خط می دهد. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی، ائمه ما روش تفسیری را به ما یاد دادند نه تفسیر را. گفتند آقا راهش این است؛ ببینید ما گاهی با لغت تفسیر می کنیم، گاهی با قرآن تفسیر می کنیم، گاهی تأویل داریم و گاهی آیات را با شأن نزولش برای شما توضیح می دهیم. ایشان معتقد است روش یاد دادند؛ حالا یکی از موارد زیبایش را من امروز خدمت شما عرض می کنم.

شخصی می گوید وارد مسجد پیامبر (ص) شدم، دیدم سه چهار حلقه بحث و گفت و گوی قرآنی است. در حلقه اول وارد شدم و گفتم: می شود به من بگویید تفسیر این آیه چیست؟ «و شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ» گفت: شاهد روز جمعه و مشهود روز عرفه است. آدمم این طرف تر سؤال کردم، گفت: مشهود روز عید قربان است و شاهد روز جمعه است. آدمم دیدم یک قسمتی از مسجد، وجود مقدس امام حسن مجتبی (ع) نشسته. از امام تفسیر آیه را پرسیدم. امام با شیوه تفسیر قرآن به قرآن پاسخ دادند؛ شیوه ای که به بیان مرحوم علامه متقن ترین شیوه در فهم قرآن است. خود امیرالمؤمنین علی (ع) هم در نهج البلاغه می فرماید: قرآن بعضی اش با بعضی اش ناطق است. شما اگر آیات را کنار هم بچینید، وقتی می گوید صراط مستقیم، در سوره انعام صراط مستقیم را معنا کرده، «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا قَائِمَةٌ» خودش به خودش ناطق است. از امام حسین (ع) پرسیدند: آقا! صمد یعنی چه؟ فرمود صمد در قرآن معنا شده؛ یعنی «لم يلد ولم يولد»، معنی اش کنارش آمده.

از امام مجتبی (ع) سؤال کردند: شاهد چیست و مشهود چیست؟ فرمود: با توجه به آیات «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» و «وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ» شاهد رسول الله (ص) است و مشهود هم روز قیامت است؛ چون خدا در قرآن می فرماید «يَوْمٌ مَّشْهُودٌ»؛ پس در روز قیامت چون پیامبر (ص) شهادت می دهد، شاهد است و چون شهادت در آنجا (روز قیامت) ایراد می شود، آنجا روز مشهود است. مشهود صفت قیامت است و شاهد صفت پیغمبر (ص) است. از کجا این پاسخ را بیان کرد؟ از دو تا آیه قرآن. ببینید این هم روایت تفسیری که من محضر شما از وجود مقدس امام مجتبی (ع) عرض کردم.

5. بیان مصداق آیات

پنجمین محوری که در زندگی امام حسن (ع) مشاهده می شود بیان مصداق آیات است. آیات قرآن خیلی هایش عام است، ولی بالاترین مصداقش گاهی در روایات معنا شده است. مثلاً قرآن می فرماید: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ» من صراط مستقیم هستم، این را تأویل و بیان مصداق می گویند؛ یعنی بالاترین مصداق صراط مستقیم من هستم.

امام کاظم (ع) فرمود: این که قرآن می فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» ابرار ما هستیم، راه را بر بقیه نیستند، ولی بالاترین مصداق نیکان و ابرار ما هستیم و فجار دشمنان ما هستند. یک وقت امام حسن (ع) با یزید گفت و گویی داشت. ظاهراً در نوجوانی یزید است. یزید گفت: آقا من نمی دانم چه خصومتی با شما دارم، اصلاً ما بنی امیه نمی توانیم با شما بنی هاشم یک جا جمع بشویم، در دل من نسبت به شما بغض است! امام فرمود: علتش این است که شما مصداق این

آیه هستید: «شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» بعضی ها وقتی نطفه شان منعقد می شود شیطان در انعقاد نطفه مشارکت می کند، تو هم مصداق این آیه هستی؛ چون در انعقاد نطفه تو شیطان مشارکت کرده است. خوب معلوم است که شیطان هم با ما اهل بیت (ع) خصومت دارد. اگر کسی چنین بود، مبعوض اهل بیت (ع) می شود. خیلی زیبا امام (ع) با این آیه پاسخ دادند. این بود خلاصه ای از عرض امروز ما درباره وجود مقدس امام حسن (ع).

دیدگاه های قرآنی و تفسیری امام حسن (علیه السلام)

اهمیت حفظ قرآن و حدیث

یک مقداری ما هم با قرآن بیشتر انس پیدا کنیم. به تعبیر ملاصدرا از سایه بیرون و وارد نور قرآن بشویم. خیلی خوب است حافظه انسان از دانش های متعدد پر بشود، ولی من از خیلی از بزرگانی که الان در قید حیاتند و خیلی چیزها حفظ هستند، خودم شنیدم که می فرمودند: ای کاش! این حافظه را در حفظ قرآن به کارگرفته بودیم. حالا من شعر هم بلد نباشم خیلی ضعف نیست، گرچه بلد بودنش فضل است، ولی قرآن بلد نباشم ضعف است، حدیث بلد نباشم ضعف است. اول بر ما باد به قرآن و حدیث! بله حفظ شعر، حفظ مَثَل، حفظ مطالب دیگر فضیلت است، اما اگر من حالا این فرصتی که بخواهم بگذارم برای حفظ یک مورد این طوری، روی حفظ آیات بگذارم، روی حفظ آیات موضوعی قرآن بگذارم. من در یکی از این کشورهای اروپایی وارد مسجد شدم. امام جماعتش که یک طلبه جوان مصری بود، به من گفت: تا حافظ قرآن نباشیم، به ما مجوز اقامه جماعت نمی دهند؛ مصری بود ولی از وزارت دیانت ترکیه مجوز داشت. این اشکال را به من کرد و درست هم بود، گفت حفظ قرآن در بین شما چرا کم است؟ مخصوصاً حفظ موضوعی، این که آدم بتواند در یک موضوع مثل نماز، حج، خمس، زکات... چند آیه و چند تا روایت، حفظ باشد، هم نورانیت دارد و هم به تعبیر ملاصدرا، آدم در نور حرکت می کند نه در سایه.

پی نوشت:

یونس، 57.

اسراء، 106.

نحل، 44.

نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج 33، ص ۳۷۰؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۵.

نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.

انعام، 82.

حجر، 46.

یونس، 57.

نحل، 89.

نحل، 44.

یونس، 57.

اسراء، 82.

اسراء، 85.

ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۹.

الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۸۸؛ عدة الداعی، ص ۲۸۸.

قصص، 21.

قصص، 22.

احزاب، 23.

آل عمران، 33.

نساء، 36.

اعراف، 31.

وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۴۵؛ مستدرک، ج ۳، ص ۲۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۷۵.

نحل، 89.

مریم، 71.

بروج، 3.

انعام، 153.

احزاب، 45.

هود، 103.

بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۶۲؛ كشف الغمه، ج ۱، ص ۵۴۳.

بحار الأنوار، ج ۸، ص ۷۰؛ تصحيح الاعتقاد، ص ۱۰۸.
انفطار، 13 و 14.
بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲؛ تأويل الايات، ص ۷۴۶.
اسراء، 64.
بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۰۴؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۲.

منبع: برگرفته از کتاب سخن آرای 3 (سوغ چهل و هشتم در سخنرانی های استاد دکتر رفیعی)